بازتاب

پاسخ وزارت بازرگانی به گزارش منتشرشده در اعتماد ملی

در تاریخ ۷ مهرماه گزارشی با عنوان «قاچاق گندم به ایران برای رسیدن به خودکفایی» در این صفحه منتشر شده بود. روز گذشته روابط عمومی وزارت بازرگانی جوابیه‌ای درباره آن گزارش به دفتر روزنامه ارسال کرد:

نظر به مطلب انعکاس یافته در صفحه یک آن روزنامه مورخ ۸۶/۷/۷ با موضوع «قاچاق گندم به ایران برای رسیدن به خودکفایی» روابط عمومی وزارت بازرگانی خود را موظف به پیگیری موضوع از مرجع مسوول دانست. ضمن ارسال متن جوابیه جهت انعکاس در اولین شماره آن روزنامه، دستان شما را در اطلاع رسانی شفاف و دستیابی به اهداف دولت خدمتگزار می فشاریم.

قاچاق گندم از پاکستان به ایران بنا به دلایل کارشناسی مشروحه ذیل فاقد صحت منطقی و عقلی است، چرا که:

۱- بنا به اعلام منابع رسمی، هم اکنون قیمت آرد در پاکستان معادل ۲۲ روپیه یعنی ۳۳۰۰ ریال است، در حالی که قیمت آرد در داخل کشور برای مصارف نانوایی هر کیلو ۷۵ تومان و ۴۵۰ ریال و برای مصارف صنفی و صنعتی هر کیلو ۲۸۰۰ ریال می باشد و واردات از مبادی غیررسمی که به قاچاق معروف است، زمانی اتفاق می افتد که اختلاف بین قیمت داخل با خارج بسیار بوده و عاملین با اقدام به این عمل به دنبال سود کلان باشند، در حالی که عاقلانه نیست زمانی که قیمت ها تفاوت فاحشی ندارد و یا قیمت کالا در خارج بیشتر از داخل است، واردات غیررسمی (قاچاق) به داخل کشور صورت پذیرد.

۲- به خلاف ادعای نویسنده مقاله، قیمت تضمینی گندم تولید داخلی بالا تر از قیمت جهانی نیست، بلکه به مراتب پایین تر است. هم اکنون قیمت جهانی گندم برای هر تن به صورت FOB حدود ۳۶۰ دلار می باشد حال آنکه قیمت خرید تضمینی کیلویی ۲۰۵۰ ریال تعیین شده است.

۳- کیفیت گندم اغلب مناطق کشور قابل رقابت با گندم های بسیار مرغوب جهان بوده و هم اکنون مشتریان بسیاری خواهان خرید گندم ایران می باشند. بنابراین اظهارنظر مبنی بر کیفیت نازل تولید کشور، وجهه کارشناسی نداشته و مقرون به کمترین صحت نیز نمی باشد.

۴- پیوستن کشور عزیزمان به جمع صادرکنندگان گندم، موجب مباهات جمیع هم میهنان و واکنش های بسیار مثبت محافل اقتصادی جهان بوده و هتک و نادیده انگاشتن این افتخار ملی با عبارات آلودگی مزارع گندم کشور به آفت «سن» و... از وقار ملی به دور بوده و رخسار تلاش دهقانان شریف و خادمین این عرصه را مخدوش می کند.

۵- صادرات گندم تولید داخل نه تنها با چشم انداز ۲۰ ساله کشور مغایر نیست، بلکه کاملا در جهت آن قرار داشته و تفاوت قیمت تمام شده با قیمت فروش در بازارهای جهانی علاوه بر پوشش دادن کلیه یارانه های مستقیم و غیرمستقیم، سود قابل ملاحظه ای را نصیب صادرکننده می کند.

در پایان ضمن ابراز تشکر از سعی نویسنده مقاله - که پیداست نسبت به حوزه تولید و عملکرد وزارت بازرگانی علاقه مند می باشند - جهت تکمیل اطلاعات بیشتر و ارائه مقالاتی که متضمن نگاه دقیق کارشناسی باشند، از ایشان و سایر علاقه مندان آن روزنامه برای آشنایی نزدیک نسبت به تحول عظیم در عرصه تولید گندم و صادرات آن، دعوت به عمل آمده و چنانچه روزنامه اعتمادملی آمادگی داشته باشد، می توان صفحات متعددی از آن جریده را به اطلاعات تخصصی در این زمینه اختصاص داد.

ایستگاه

دستور بررسی تغییر قیمت نان صادر شد

مهر: معاون وزیر بازرگانی از صدور دستور رئیس دولت برای بررسی دقیق هرگونه تغییر در قیمت نان خبر داد و گفت: دولت از شرایط فعلی نان راضی نیست. مجید پارسانیا در خصوص عدم افزایش قیمت نان در سال جاری گفت: هرگونه افزایش قیمت نان در استان ها توسط استانداری ها صورت می گیرد که آنها نیز به نوبه خود تصمیم گیری های لازم را در این زمینه صورت داده اند. وی با اشاره به تاکید احمدی نژاد در خصوص لحاظ کردن تمامی موارد در تغییر قیمت نان ادامه داد: در حال حاضر وضعیت نان در کشور به شکلی است که به دلیل بهره گیری از واحدهای سنتی برای طبخ نان، بیش از ۵ تا ۷ درصد ارزش نان را آرد تشکیل می دهد و در حقیقت یارانه نان به دستمزد تعلق می گیرد.

تذکر کتبی نمایندگان به دولت در خصوص واردات شکر

ایرنا: ۱۷ نماینده مجلس شورای اسلامی از رئیس دولت خواستند تا نسبت به واردات سه میلیون تن شکر و تبعات منفی ناشی از آن توضیحاتی ارائه کند. این نمایندگان در تذکر کتبی به دکتر محمود احمدی نژاد بر ضرورت پاسخگویی به علت واردات سه میلیون تن شکر با تعرفه صفر درصدی تاکید کردند.

در این تذکر کتبی تاکید شده است: واردات سه میلیون تن شکر باعث کاهش ۳۰ درصدی سطح زیر کشت چغندر قند و در آستانه تعطیلی قرار گرفتن ۳۵ کارخانه شکر و بیکاری هزاران کارگر شده است. ۱۰ نماینده نیز در تذکر کتبی مشترکی از رئیس جمهور خواستند نسبت به تجدیدنظر در قیمت تضمینی گندم مازاد بر مصرف کشاورزان و افزایش آن حداقل به میزان تورم سالانه بر اساس برنامه چهارم توسعه اقدام کند. تذکرات کتبی نمایندگان به مسوولان اجرایی کشور را غلامعلی حدادعادل رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز سه شنبه قرائت کرد.

محرابیان و نوذری هفته آینده به مجلس معرفی می شوند

فارس: یک عضو کمیسیون صنایع و معادن گفت: به احتمال زیاد محرابیان و نوذری آخر هفته آینده برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی خواهند شد.

حمیدرضا فولادگر اظهارداشت: دولت تا اواسط آبان فرصت دارد تا وزرای خود را به مجلس معرفی کرده و برای آنها رای اعتماد بگیرد، در مدت باقیمانده نیز مجلس حدود ۱۰ روز وقت دارد تا در خصوص نامزدهای پست وزارت در دو وزارتخانه مهم صنایع و نفت بررسی و تامل کرده و به یک جمع بندی و تصمیم مناسب برسد. وی در پاسخ به این سوال که جو عمومی مجلس را در خصوص محرابیان چگونه ارزیابی می کنید؟ گفت: از محرابیان، سرپرست فعلی وزارت صنایع و معادن برای حضور در کمیسیون صنایع مجلس دعوت شده تا هم نمایندگان با مواضع و دیدگاه های وی آشنا شوند و هم سوالاتی در خصوص خودرو از وی داشته باشیم. وی افزود: در کل می توانم بگویم مجلس در ابتدا جز در حد اینکه ایشان متولی تبصره «۱۳» بودند، اطلاعاتی نداشت، ولی با آشنایی های بیشتر با عملکرد محرابیان، هم اکنون شناخت بیشتری از وی حاصل شده و عملا اوضاع به نسبت گذشته بهتر شده است.

بسمه تعالی
آگهی فروش املاک
سازمان مسکن و شهرسازی استان فارس

این سازمان در نظر دارد قطعات زمین ذیل را از طریق مزایده در شهر شیراز بفروش برساند. متقاضیان محترم می توانند جهت بازدید و اخذ فرم شرایط شرکت در مزایده از تاریخ ۸۶/۷/۲۸ لغایت ۸۶/۸/۸ به مسکن و شهرسازی فارس حوزه مدیریت املاک واقع در بلوار ستارخان شیراز مراجعه نمایند.

تذکرات:
۱- اخذ فرمهای شرکت در مزایده و تحویل پاکت پیشنهادات منضم به چک تضمینی بانکی (چک پول یا ایران چک و وجه نقد پذیرفته نمی‌شود) ۵ درصد قیمت پایه مزایده فقط در مهلت مذکور می‌باشد.
۲- به پیشنهادات فاقد سپرده کمتر از ۵٪ و یا مبهم و یا تحویل در خارج از موعد مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۳- فرم شرایط خاص شرکت در مزایده و اطلاعات مورد نیاز در زمان مراجعه متقاضیان ارائه خواهد شد.
۴- پیشنهادات واصله توسط کمیسیون در ساعت ۱۱ صبح مورخ ۸۶/۸/۹ مفتوح می‌گردد.
۵- سازمان در رد یا قبول پیشنهادات مجاز است.
۶- کلیه هزینه‌های نقل و انتقال بعهده خریدار می‌باشد.
۷- متقاضیان ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ اعلام نظر کمیسیون مزایده مهلت دارند نسبت به واریز وجه اقدام نمایند در غیر این صورت ضمن ضبط سپرده وفق مقررات اقدام می‌گردد.
۸- هرگونه هزینه متعلق به شهرداری به عهده برنده مزایده است.
۹- ارسال موافقت اصولی منطبق با طرح به همراه تقاضا توسط متقاضی الزامی است.

مشخصات زمین مورد مزایده:
قطعات ۴۷۰۹ و ۱۲/۴۷۱۰ شیراز به مساحت ۴۷۴/۱۰ متر مربع با کاربری خدماتی (هتل آپارتمان) و بهای پایه هر متر مربع ۲،۵۰۰،۰۰۰ ریال برنده مزایده حق تغییر کاربری زمین مزبور را ندارد.

روابط عمومی
سازمان مسکن و شهرسازی استان فارس

مرکز تحقیق و پذیرش آگهی های روزنامه اعتماد ملی
تلفن ۲۶-۸۸۹۵۶۰۲۴ • نمابر ۸۸۹۵۹۳۰۴

رابطه رشد اقتصادی و توسعه انسانی

وحید محمودی*

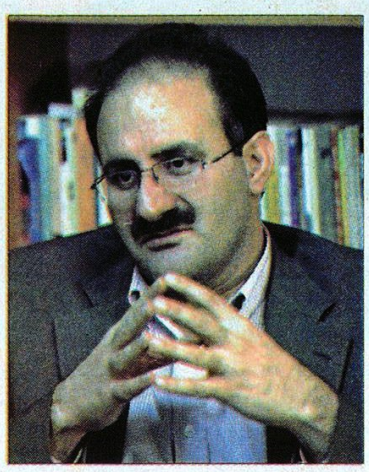

هدف از این نوشتار، بررسی رابطه بین رشد اقتصادی (economic growth) و توسعه انسانی (human development) است. به عبارتی، تلاش بر این است که مشخص شود رشد اقتصادی، عامل افزایش سطح توسعه انسانی است و یا بالعکس. به همین منظور، ابتدا به طور مختصر به حوزه تعریف رشد اقتصادی و توسعه انسانی پرداخته می شود و سپس به تحلیل رابطه این دو مفهوم و تعیین تقدم و تأخر آنها در فرآیند توسعه کشورها براساس مطالعات نظری و تجربی موجود می پردازیم. رشد اقتصادی، فرآیندی است که طی آن، ظرفیت مولد یک اقتصاد طی زمان افزایش می یابد که در این حالت، سطح درآمد و تولید بالا می رود. در واقع، رشد اقتصادی ناظر به افزایش ارزش کالاها و خدمات تولیدشده در یک اقتصاد است که معمولاً به عنوان درصد افزایش در تولید ناخالص ملی یا درآمد ناخالص ملی اندازه گیری می شود. سابقه تئوری های رشد اقتصادی به آدام اسمیت، دیوید ریکاردو، ومالتوس برمی گردد که نظراتشان شامل رویکردهای بنیادی رفتار رقابتی و تعادل پویا، نقش بازده های نزولی و روابطشان با مجموع سرمایه فیزیکی و انسانی، تأثیر متقابل و تعامل بین درآمد سرانه و نرخ رشد جمعیت، تأثیرات تغییرات تکنولوژیک در شکل محصول و نقش قدرت های انحصاری به عنوان انگیزه هایی برای پیشرفت های تکنولوژیک است.

شاید نقطه شروع تئوری های جدید رشد را بتوان به تئوری بهینه سازی رفتار خانوار منسوب به رمزی (Ramsey,1928) که از مدل معروف هارود- دومار (Harrod-Domar) پیروی می کرد نسبت داد. مدل رشد بنیادی دیگر، مدل سولو -سوآن (Solow-Swan) است که بر مبنای فرضیات بازده های ثابت نسبت به مقیاس و بازده های نزولی برای هر نهاده استوار است. مدل رشد اقتصادی سولو (که به عنوان مدل رشد سنتی یا نئوکلاسیکی شناخته شده) عوامل رشد اقتصادی را به افزایش در نهاده ها (نیروی کار و سرمایه) و پیشرفت تکنولوژیکی تفکیک می کند. از فروض مدل های رشدی که به سولو مربوط می شوند رشد بلندمدت تعادلی برابر با صفر و همچنین همگرایی بین درآمد سرانه در کشورهای مختلف است. در مقابل، در تئوری جدید رشد که در دهه ۱۹۸۰ توسعه یافت و «تئوری رشد درون زا» نام گرفت، فرض آن است که رشد تعادلی در بین کشورهای مختلف می تواند مثبت باشد، البته اگر پیشرفت تکنولوژیک درون زا باشد و منجر به افزایش بازده شده، بتواند توضیح دهد که چرا سرمایه اغلب از کشورهای فقیر به غنی سرازیر می شود، آن هم در صورتی که کشورهای فقیر خودشان نرخ سرمایه به کار پایینی دارند.

در دهه ۱۹۹۰ توجهات به سمت کاربردهای تجربی (به ویژه به رابطه بین تئوری و داده ها) معطوف شد که شامل ارزیابی های قطعیت، نقش بازده های صعودی، فعالیت تحقیق و توسعه، گسترش تکنولوژی و سرمایه انسانی می شد. رودریک (Roderick) در سال ۲۰۰۳ در مورد تنگناهای رشد و همچنین پویایی رشد که شامل طبقه بندی سه گانه جغرافیایی، ادغام تجاری و تأسیس نهادها که عوامل تقریبی تعیین کننده های رشد هستند کار کرد.

قبل از اشاره به مفهوم توسعه انسانی لازم است ابتدا منظور از توسعه مشخص شود و بعد به توسعه انسانی بپردازیم. توسعه، فرآیندی چند بعدی است که شامل تغییرات در رفتار افراد، ساختار اجتماعی، نگرش عمومی و نهادهای ملی است. درواقع، توسعه، فرآیندی است که سازمان های اقتصادی و سیستم های سیاسی و اجتماعی را دربر می گیرد. اهداف پذیرفته شده استراتژی یا سیاست توسعه عبارتند از: رشد، عدالت و کاهش فقر (اقتصادی)، مردم سالاری و ثبات سیاسی (Basu-1997).

توسعه ناظر به فرآیند بهبود کیفیت زندگی همه انسان هاست و با مکانیسم های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ساختاری (عمومی و خصوصی) و همچنین بهبود در سطوح زندگی فقرا، بیسوادان و افراد دچار سوءتغذیه سروکار دارد. روی هم رفته، توسعه موفق، هم به تعادل ماهرانه و عاقلانه نیروهای بازار نیاز دارد و هم به زیرکی و عدالتی که از مداخله دولت در بخش هایی که نیروهای بازار به پیامدهای نامطلوب سیاسی و اقتصادی منجر شده اند. بنابراین، توسعه ممکن است برای افراد مختلف، معانی متفاوتی داشته باشد.

توسعه انسانی

رویکرد مبتنی بر توسعه انسانی به توسعه ای که برای اولین بار به وسیله آمارتیاسن و محبوب الحق مطرح شد بیان می دارد که توسعه انسانی، فرآیند گسترش آزادی های واقعی است که مردم از آن برخوردارند. این رویکردی، کلی و جامع است و نیازمند برطرف کردن عوامل عمده نداشتن آزادی است که فقر و ظلم، فرصت های اقتصادی ضعیف از جمله محرومیت های اجتماعی، غفلت از ارائه تسهیلات عمومی را شامل می شود. از نظر آمارتیا سن، توسعه اصولاً به بهبود الگوی زندگی افراد مربوط می شود و تأکید می کند: «یک برداشت مناسب از توسعه به معنای فراتر رفتن توسعه از حیطه های افزایش ثروت و رشد تولید ناخالص ملی و سایر متغیرهای مربوط به درآمد است. بدون نادیده گرفتن اهمیت رشد اقتصادی ما باید به توسعه با دیدی فراتر بنگریم». (سن، ۱۳۸۵).

در یک راستای فکری مشابه، برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) شاخص توسعه انسانی را مطرح ساخته که از تعاریف توسعه محدود درآمد پولی فراتر رفته و شامل ترکیبی از سه معیار زیر است:

۱- زندگی سالم و طولانی
۲- برخورداری از دانش کافی
۳- استانداردهای مناسب زندگی

بر طبق گزارش های توسعه انسانی، توسعه انسانی فرآیند بسط انتخاب های افراد است که «مهم ترین اینها، شامل فراهم شدن زندگی سالم و طولانی، آموزش، برخورداری از استانداردهای مطلوب زندگی، انتخاب های بیشتر شامل آزادی های سیاسی، حقوق انسانی تضمین شده و عزت نفس است» (UNDP,1990,P:10).

توسعه انسانی دو وجه دارد: یک وجه آن مربوط است به ایجاد قابلیت های انسانی، همچون بهبود در سلامت، دانش و مهارت و وجه دیگر به استفاده افراد از قابلیت های کسب شده شان برای فرصت ها و اهداف سودمندی، همچون فعال بودن در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مربوط می شود (UNDP,1990). رویکرد قابلیت به فهم نتایج توسعه کمک می کند؛ زیرا رویکرد قابلیت مربوط می شود به آنچه مردم را قادر به انجام دادن یا شدن می سازد. بنابراین، رشد اقتصادی و توسعه بیش از همه بر توسعه انسانی تمرکز دارد.

رابطه مبتنی بر همزیستی رشد اقتصادی و توسعه انسانی

توسعه انسانی به عنوان هدف غایی فعالیت های بشری و بنابراین از جمله اهداف فرآیند توسعه و از طرف دیگر رشد اقتصادی نیز به عنوان یک نماینده و نمایشگر رفاه اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرند. توسعه انسانی، هم در رویکرد نیازهای اساسی ILO و هم در رویکرد قابلیت آمارتیا سن قابل ردیابی است. توسعه انسانی که حسب تعریف عبارت است از افزایش دامنه انتخاب افراد به طوری که منجر به دستیابی به زندگی مثمرتر، سالم تر و طولانی تر شود، فهم تئوریک خود را در رویکرد قابلیت «سن» جست وجو می کند. رویکردی که براساس آن، قابلیت های فردی، عملکردهای متفاوتی دارند و همین تفاوت باعث می شود که افراد دارای قابلیت یکسان از شاخص رفاه و آسایش متفاوتی برخوردار باشند. این نگاه به توسعه انسانی، جهت تحلیل ها را تغییر می دهد؛ بدین معنا که نه تنها به کیفیت و ویژگی های رفاهی مثل درآمد، آموزش، بهداشت و... توجه دارد، بلکه دربردارنده فرصت های ممکنی است که در موقعیت های خاص در دسترس افراد قرار دارد. بنابراین، بین فرصت های افراد و ویژگی های آنها ارتباط وجود دارد و فرصت های در دسترس افراد شدیداً تحت تأثیر ویژگی ها و کیفیت آنها است. جالب تر اینکه «رویکرد قابلیت» پا را از توجه به ویژگی ها و کیفیت افراد در تجزیه و تحلیل ها فراتر می گذارد و نقش محیط اجتماعی را روی دایره انتخاب افراد مؤثر می داند، بدین معنا که یک فرد در یک جامعه باز و آزاد از مجموعه کارکردهای بیشتری برخوردار است تا در یک جامعه بسته.

با آنکه قابلیت ها، اهداف توسعه هستند، ولی اندازه گیری آنها به خاطر غیرقابل مشاهده بودن مجموعه تمام عملکردهای (کارکردهای) انسان مشکل است. براساس تئوری بنیادی قابلیت، استفاده از امید به زندگی، سواد و GDP به عنوان عوامل تشکیل دهنده شاخص توسعه انسانی، معیارهای مناسبی برای این کار نیستند. علاوه بر این، در اینجا آزادی سیاسی و نابرابری درآمد نیز از جمله معیارهای مفقوده محسوب می شوند. به هر حال، رابطه بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی، رابطه ای دو طرفه است. توسعه انسانی می تواند به عنوان یکی از استراتژی های رشد اقتصادی در نظر گرفته شود و در این بین، رشد اقتصادی نیز می تواند از منافع توسعه انسانی بهره مند شود. اگر رشد اقتصادی درست مدیریت نشود، برای توسعه اقتصادی زیانبار خواهد بود. بنابراین، کیفیت رشد از نظر تأثیر در کاهش نرخ فقر، توسعه انسانی و پایداری آن به اندازه کمیت رشد دارای اهمیت است. در فرآیند رشد لازم است واسطه ای وجود داشته باشد که بر اساس آن، منافع رشد در زندگی مردم نمود یابد که در اینجا در سطح کل اقتصاد، توسعه انسانی اهمیت پیدا می کند. رشد اقتصادی، منابعی را فراهم می سازد که امکان بهبود پایدار در توسعه انسانی را به وجود می آورد و از طرف دیگر توسعه انسانی و افزایش کیفیت افراد و نیروی کار در اقتصاد، باعث تشویق رشد اقتصادی می شود. به عبارت دیگر، آزادی بیشتر و رشد قابلیت ها، باعث عملکرد اقتصادی بیشتر می شود و توسعه انسانی در رشد اقتصادی نقش مؤثری دارد. از طرف دیگر، افزایش درآمدها، دایره انتخاب خانوارها و دولت و قابلیت آنها را افزایش می دهد و رشد اقتصادی، باعث افزایش سطح توسعه انسانی می گردد. ملاحظه می شود که این رابطه به لحاظ نظری، یک رابطه مثبت معنادار دوطرفه است و قابل تفکیک است. بنابراین در حلقه بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی، دو جریان وجود دارد: ۱)- از رشد اقتصادی به توسعه انسانی، ۲)- از توسعه انسانی به رشد اقتصادی.

۱- جریان از رشد اقتصادی به توسعه انسانی

این جریان به منابعی از درآمد ملی که به مشخصه ها، ویژگی ها و فعالیت های تشکیل دهنده توسعه انسانی تخصیص می یابد نظر دارد. در این جریان تولید ناخالص ملی عمدتاً از طریق فعالیت ها و تصمیمات خانوارها، دولت و سازمان های عمومی غیردولتی (NGO) به فعالیت هایی مثل آموزش، بهداشت (به خصوص آموزش و سلامت زنان)، هزینه های دولت در ارائه تسهیلات عمومی و مخارج اجتماعی، اجرای سیاست های توزیع مناسب تر درآمد و ثروت و مبارزه با فقر در جامعه تخصیص می یابد و بر توسعه انسانی اثر می گذارد. در این دیدگاه، رشد درآمد ملی و نتیجتاً درآمد سرانه به وضوح عامل اصلی رشد مستقیم قابلیت افراد و نتیجتاً توسعه انسانی است؛ زیرا این رشد اقتصادی، نظم اقتصادی استفاده از منابع را در خود دارد. البته باید در نظر داشت که اثر رشد اقتصادی بر سطح توسعه انسانی جامعه به عوامل و شرایط دیگر جامعه نیز بستگی دارد و به همین علت است که سطح یکسان GNP می تواند سطوح توسعه انسانی مختلفی را به دست دهد. از مهم ترین عوامل در این خصوص، نقش توزیع درآمد است، هم در سطح خرد (درون خانوارها در جایی که کنترل دخل و خرج خانوار در دست زنان است؛ به علت توجه بیشتر به مواد غذایی و تحصیل دختران سطح توسعه انسانی بالا تر است) و هم در سطح کلان (بین خانوارها). در این میان، توجه به نوع و ترکیب هزینه های خانوارها و همچنین هزینه های دولت برای آنها در مطالعات و تحقیقات انجام یافته بیشتر به چشم می خورد. مثلاً مطالعات زیادی نشان می دهند که پایین بودن درآمد سرانه و یا توزیع نامناسب آن باعث افزایش فقر در جامعه می شود و مخارج روی اقلام و عوامل تشکیل دهنده توسعه انسانی نیز قویاً تحت تأثیر نرخ کاهش فقر قرار می گیرد؛ چون با افزایش درآمد خانوارهای فقیر، نرخ ثبت نام آنها در مدارس افزایش می یابد و همچنین آنها به مواد غذایی و هزینه های بهداشتی بیشتر نیاز دارند. دولت ها نیز همین رفتار را دارند و مخارجشان روی توسعه انسانی، تابعی از کل مخارج دولت ها است و نحوه هزینه کردن آنها برای توسعه انسانی بستگی به سه نرخ دارد:

الف) نرخ مخارج دولت که توسط سطوح مختلف سازمان های دولتی هزینه می شود، یعنی GNP,G

ب) نرخ تخصیص توسعه انسانی که براساس کل مخارج دولت که به بخش های مختلف توسعه انسانی می رود تعریف می شود.

ج) نرخ اولویت توسعه انسانی که اولویت بخش های مختلف توسعه انسانی تعیین کننده آن است.

در این میان، بعضی از انواع هزینه های تخصیص یافته به مشخصه های توسعه انسانی بهره ورتر از دیگر اجزایند؛ مثل هزینه های آموزشی به خصوص آموزش ابتدایی و آموزش زنان و همچنین مخارج دولت در خدمات اجتماعی رابطه های قوی تر در تعیین ارتباط بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی هستند. ولی باید در نظر داشت که اولویت هزینه ها به سطح توسعه کشور بستگی دارد و به همین علت، کشورهایی با GNP یکسان، هزینه های توسعه انسانی متفاوتی دارند. لازم به ذکر است که NGOها و سایر نهادهای مدنی که محور هزینه هاشان توسعه انسانی است نیز نقش مکمل دارند.

خلاصه اینکه باید مشخص شود چه نوع کالا و یا هزینه ای بیشتر در بهبود سطح توسعه انسانی مؤثر است. به این منظور لازم است بسته به سطح توسعه هر کشور، تابع بهبود و افزایش توسعه انسانی تعریف شود که براساس عملکرد این تابع در بعضی کشورها و یا زمان ها، نیاز به آب سالم و یا آموزش زنان و یا دیگر موارد در بهبود سطح توسعه انسانی هزینه های مؤثر و کاراتری خواهند بود. البته باید توجه داشت که ارتباط بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی یک ارتباط خودکار نیست، بلکه به عواملی بستگی دارد که ممکن است به واسطه آنها این ارتباط، قوی و یا ضعیف شود؛ مثل ساختار اقتصاد، توزیع ثروت، سرمایه اجتماعی و چگونگی سیاستگذاری های دولت.

۲- جریان از توسعه انسانی به رشد اقتصادی

توسعه انسانی می تواند به افزایش درآمد ملی کمک کند. افراد جامعه اگر سالم تر، باسوادتر و دارای تغذیه بهتر باشند بیشتر در فعالیت های اقتصادی شرکت می کنند، چون توسعه انسانی بالا، قابلیت افراد را افزایش می دهد و این هم باعث افزایش فعالیت و بهره وری بالا تر آنها می شود. مطالعات تجربی زیادی در سطح جهان به تأثیر مثبت آموزش بر بهره وری نیروی کار و نوآوری و بهبود تکنولوژیکی و همچنین اثر بهداشت و سلامتی و تغذیه مناسب بر روی بهره وری و درآمد نیروی کار اشاره دارند. آموزش بیشتر، فرصت های بیشتر می آفریند و در نتیجه، افراد دارای آموزش بالا تر، می توانند به طور کاراتر و مؤثرتر فعالیت کنند. همچنین باید در نظر داشت که پیشرفت تکنولوژیک در یک کشور به میزان تحقیق و توسعه (RD) بستگی دارد و تحقیق و توسعه هم به توسعه انسانی وابسته است. افزایش قابلیت ها و کارکردهای افراد باعث افزایش مزیت های نسبی در اقتصاد می شود و کارایی بنگاه ها را افزایش می دهد. بنابراین، افزایش توسعه انسانی باعث کاهش قیود بنگاه ها در حداکثرسازی سودشان می شود. به عبارتی، در معنای گسترده تر، توسعه انسانی با سرمایه انسانی همراه می شود و بر رشد اقتصادی تأثیر می گذارد، ولی باید در نظر داشت که هریک از اجزای توسعه انسانی به طریقی جداگانه بر رشد اقتصادی مؤثر است. همچنین نرخ سرمایه گذاری و چگونگی توزیع درآمد، تعیین کننده های مهم ارتباط بین توسعه انسانی و رشد اقتصادی اند؛ چون از نتایج مطالعات تئوریک و تجربی برمی آید که مثلاً پیامدهای خارجی، ناکارایی بازار سرمایه و استفاده از آموزش به عنوان ابزاری برای سیاست توزیع درآمد، از جمله عوامل توجیه کننده ارائه آموزش توسط دولت هستند که یکی از شاخص های توسعه انسانی است. توزیع برابرتر درآمد نیز تقاضای مواد غذایی و آموزش و نتیجتاً کارایی و بهره وری نیروی کار را افزایش می دهد و در ضمن، ثبات سیاسی و اقتصادی بیشتری را در پی دارد.

تقدم عملکرد کشورها در حلقه بین توسعه انسانی و رشد اقتصادی

ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی بیان می دارد که جوامع ممکن است در دور باطل و چرخه معیوب (vicious cycle) رشد اقتصادی کم و توسعه انسانی پایین و یا چرخه کامل و خوب (virtuous cycle) رشد اقتصادی بالا و توسعه انسانی بالا قرار گیرند. در این حالت، رابطه بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی ممکن است جوامع را به تعالی برساند و یا به دام فقر و بدبختی گرفتار سازد. وجود و پایداری این چرخ ها به قدرت و نوع رابطه بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی بستگی دارد. البته بعضی کشورها ممکن است دچار وضعیتی نامتفاوت شوند، مثلاً رشد اقتصادی بالا و توسعه انسانی پایین و برعکس. عوامل مختلفی ممکن است در پیدایش این موقعیت ها مؤثر باشند؛ از جمله فساد مالی دولت، میزان هزینه های اجتماعی، نحوه توزیع درآمد و ثروت در جامعه و .... بنابراین در خصوص چگونگی ارتباط بین توسعه انسانی و رشد اقتصادی چهار حالت اتفاق می افتد:

الف) توسعه انسانی پایین و رشد اقتصادی کم (vicious cycle)
ب) توسعه انسانی بالا و رشد اقتصادی زیاد (virtuous cycle)
ج) توسعه انسانی بالا و رشد اقتصادی کم (توسعه انسانی نامتوازن HD-Lopsided): در این حالت، یکی از مؤلفه ها (رشد اقتصادی و یا توسعه انسانی) نقش ترمز برای دیگری را بازی می کند. این موقعیت بیشتر در مواردی اتفاق می افتد که نرخ سرمایه گذاری در اقتصاد پایین باشد که یک حالت موقتی و ناپایدار است که اگر از ارتباط رشد اقتصادی به توسعه انسانی استفاده شود احتمال رفتن به موقعیت «الف» و یا «ب» احتمال بیشتری وجود دارد که جامعه از این موقعیت به موقعیت «ب» یعنی چرخه کامل و خوب این جریان حرکت کند، ولی ممکن است در هر حالت در چرخه معیوب و بد گرفتار آید.

د) توسعه انسانی پایین و رشد اقتصادی زیاد (رشد اقتصادی نامتوازن EG-Lopside)؛ در این حالت نیز مثل حالت قبل، یکی از مؤلفه ها نقش ترمز را پیدا می کند و حالتی موقتی و ناپایدار را به وجود می آورد. این موقعیت بیشتر در مواردی اتفاق می افتد که کمبود سرمایه اجتماعی در جامعه وجود دارد و احتمال افتادن به چرخه معیوب و بد (حالت الف) بیشتر از دیگر حالات است.

وقتی کشوری در موقعیت «الف» گرفتار شده جهت حرکت به سوی تعالی بهتر است به این صورت باشد که ابتدا به سمت حالت «ج» حرکت کند و بعد از موقعیت «ج» به موقعیت «ب» برود؛ چون این مسیر حرکت، نسبت به دیگر مسیرهای پیشرفت، مشکلات کمتری دارد. برای این کار، سیاست هایی، مثل تخصیص منابع بیشتر به آموزش و بهداشت به خصوص آن قسمت که بیشتر به کار مردم می آید، توزیع درآمد مناسب تر، مثلاً از طریق اصلاحات ارضی و مالیاتی و اشتغال زایی، خلق فرصت های شغلی برای بیکاران لزوم پیدا کند. پس از اجرای سیاست های فوق و حرکت از موقعیت «الف» به «ج»، لازم است برای رفتن از موقعیت «ج» به «ب» سیاست های مکمل زیر نیز اجرا شود:

- استفاده از توسعه انسانی بالا به منظور تشویق رشد اقتصادی با استفاده از اصلاحات سیاستی
- افزایش نرخ سرمایه گذاری (حتی در صورت تأمین از خارج از کشور)
- بهبود توزیع درآمد.

روابط فوق و نتایج حاصل از مطالعات تجربی صورت گرفته در این خصوص بیان می دارند که اگر رشد اقتصادی بالا همراه با توسعه انسانی نباشد ممکن است پایدار نبوده، و کشور را به ورطه دور و چرخه های معیوب بکشاند. البته کشورهایی که روی توسعه انسانی سرمایه گذاری کرده و حقوق اساسی اقتصادی افراد را مورد توجه قرار داده اند توانسته اند به چرخه های خوب دست یابند و به رشد اقتصادی بالا نیز برسند. به عنوان نمونه به یکی از معروف ترین مطالعات تجربی انجام شده در این باره که توسط رانیز، استوارد و رامیرز (Ramirez, Steward, Ranizi:2000) در سال ۲۰۰۰ انجام شده است (از این پس به صورت مخفف RSR آورده می شود) اشاره می کنیم.

در این مطالعه، (P.208) عملکرد کشورها را به چهار گروه تقسیم می شود:، کامل (خوب)، معیوب (زیانبار) و دو نوع جهت دار که در آن یا توسعه انسانی قوی، ولی رشد اقتصادی ضعیف است (توسعه انسانی نامتوازن) و یا اینکه رشد اقتصادی قوی و توسعه انسانی ضعیف است (رشد اقتصادی نامتوازن).

در چرخهٔ کامل (خوب)، توسعه انسانی مطلوب، رشد را افزایش می دهد و در عوض این امر موجب افزایش توسعه انسانی می شود و این فرآیند ادامه می یابد.

در چرخهٔ معیوب (زیانبار)، عملکرد بد توسعه انسانی، منجر به عملکرد پایین برای رشد می گردد که خود این امر، سبب رسیدن به توسعه انسانی بدتر می شود و این رویه ادامه می یابد.

RSR اینگونه شرح می دهند: «قوی تر بودن روابط بین دو حلقه، چرخه رشد اقتصادی و توسعه انسانی مطلوب را فراهم می کند و جایی که این رابطه ضعیف باشد توسعه نامتوازن رخ می دهد» (p.208) برای مثال، اگر رشد اقتصادی مطلوب سبب بهبود توسعه انسانی (به جهت ضعیف بودن روابط بین آنها از جمله نسبت پایین مخارج اجتماعی) نگردد رشد اقتصادی نامتوازن رخ خواهد داد. از سوی دیگر، زمانی که عملکرد توسعه انسانی مطلوب، رشد اقتصادی مطلوبی را ایجاد نکند (به خاطر فقدان مکمل که از نرخ های پایین سرمایه گذاری ناشی می شود) ممکن است توسعه انسانی نامتوازن رخ دهد.

به زعم «RSR p.209 در مواردی که توسعه در آنها به صورت نامتوازن رشد کرده بعید است به همین منوال ادامه یابد. با همکاری ضعیف همچون سدی در مقابل عوامل توسعه موجبات ایجاد چرخه معیوب را فراهم می کند و یا این احتمال وجود دارد که با یک تغییر سیاست این ارتباط محکم تر گردد که نتیجه آن، بالطبع چرخهٔ کامل (خوب) خواهد بود».

در مجموع، RSR براساس تحلیل تجربی بلندمدت خود، طرح قوی منطقه ای پیشنهاد کردند که در آن کشورهای آسیای شرقی در ربع کامل (خوب)، آمریکای لاتین در ربع توسعه انسانی نامتوازن و کشورهای آفریقایی در ربع مربوط به چرخهٔ معیوب قرار گرفته اند.

توجه: انتقال و جابه جایی کشورهای ربعی را که کشورها در طی سه دهه در آن جای گرفته اند را مشخص می کند. (منبع: RSR ، صفحه ۲۱۱)

شواهد به دست آمده از بررسی ۷۶ کشور طی ۳۰ سال حاکی از آن است که کشورها در همه جهت ها به جز مسیر رشد اقتصادی نامتوازن به ربع خوب قادر به جابجایی اند. RSR بیان می کنند این علمی نیست که انتقال از رشد اقتصادی نامتوازن به ربع خوب صورت گیرد. (p.212)